

گفت‌وگو با قاضی جوان که برای آزادی زندانیان پشیمان تلاش می‌کند

پاداش پربرکت

برای بعضی‌ها عدالت هیچ معنی و مفهومی ندارد و تا جایی که راست کارشان باشد و بتوانند، آن را لگدمال می‌کنند تا به هدف‌شان برسند اما برای ایمان جعفری، اجرای عدالت خود هدف بود. هدفی والا و ارزشمند که باعث شد سراغ رشته حقوق برود: «از نوجوانی شیفته حق و اجرای عدالت بودم. همیشه وقتی حق نا حق می‌شد، تلاش می‌کردم حق را به صاحبش برسانم. علاقه به اجرای عدالت باعث شد تا قدم در این راه بگذارم.» این جوان دهه هفتادی یا دقیق‌تر بگوییم ۲۸ ساله، حالا هم تدریس می‌کند، هم دانشجوی مقطع دکتراست و هم پنج سالی است که ردای قضاوت شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان مهریز یزد را به تن کرده است.

تا قبل از قاضی شدن، مثل بسیاری از مردم حق ورود به زندان را نداشت اما حالا که در سش را خوانده و قاضی شده، هم می‌تواند به زندان‌های شهرش سرکشی کند و هم عدالت را در حق آنان اجرا کند. در یکی از همین سرکشی‌ها بود که بانی خیر برای بعضی از زندانیان شد.

او در مورد یکی از سرکشی‌های خود به زندان شهرستان گفت: «در همین ملاقات‌ها بود که متوجه شدم برخی زندانیان به دلیل پرداخت دیه یا وقوع حادثه‌ای ناخواسته و یک اشتباه در زندان به سر می‌برند. به چشم می‌دیدم که خود و خانواده‌هایشان دچار چه مشکلاتی شده‌اند. آنها واقعا پشیمان بودند و برای همین همیشه سعی می‌کردم طوری



بنایی بود، دچار دردسر شده است. ساختمانی که این مرد بنا در آن کار می‌کرد، ریزش کرد و در اثر ریزش، کارگری مصدوم شد. این مرد ۶۰ ساله به خاطر مصدوم شدن آن کارگر و پرداخت دیه سه سال در زندان بود. در تمام این سه سال، خانواده‌اش در شرایط بدی به سر می‌بردند. مقداری از پول دیه آن کارگر مانده بود که باقیمانده‌اش را با همان پول هدیه‌ام پرداختم و مرد آزاد شد. او وقتی متوجه شد یک قاضی به آزادی او کمک کرده است، بسیار متعجب شد و باور نمی‌کرد. خوشحالم که بعد از سه سال دوباره به آغوش گرم خانواده‌اش برگشت.»

خاطرات جعفری از پنج سال قضاوت به آزادی مرد مقروض ۶۰ ساله محدود نمی‌شود: «خاطر هست که سه ماه پیش هم جوانی به دلیل فقر و بیکاری، شیرآلات یک مدرسه را که قیمتی یک و نیم میلیون تومان بود، دزدیده بود. او پس از دستگیری به شش ماه حبس و رد مال محکوم شد اما رد مالی نداشت که بدهد. سابقه کیفری هم نداشت و تنها به دلیل فقر و بیکاری که با آن دست به گریبان بود، دست به سرقت زده بود. او به شدت از کارش پشیمان بود. برای همین پیشقدم شدم و هم رد مالش را پرداخت کردم و هم رضایت مسؤولان مدرسه را جلب کردم و با رضایت آنها، مرد جوان آزاد شد. او پس از آزادی به دیدنم آمد و گفت در یک کارگاه مشغول به کار شده و با پول حلال، زندگی‌اش را می‌گذراند.»

پرونده دیگری که جعفری در مورد آن صحبت کرد، مربوط به مردی اهل سیستان و بلوچستان بود که سه فرزند داشت و همسرش مبتلا به بیماری ام‌اس بود: «هزینه‌های درمانی همسرش زیاد بود و برای همین او به انجام کارهای خلاف کشیده شده بود. در یکی از همین کارهای خلاف، او تصمیم گرفت یک محموله ۱۰ کیلویی مواد مخدر را از شرق کشور به مهریز منتقل کند که بازداشت شد. این مرد هم سابقه کیفری نداشت و با در نظر گرفتن شرایط زندگی‌اش به او سه سال و دو ماه حبس دادم که بعد از گذراندن بخشی از محکومیت با آزادی مشروط، آزاد شد و نزد زن و بچه‌اش برگشت. از همان زمان بود که دیگر دور کار خلاف را خط کشید.»

قضاوت و رای صادر کنم تا از تعداد زندانیانی که در زندان‌ها هستند، کاسته شود. دلم نمی‌خواست به خاطر زندانی شدن یک فرد، زندگی خانوادگی‌شان بحرانی شود و اساس زندگی‌شان از هم بپاشد. در همین سرکشی‌ها بود که ماجرای آن مرد ۶۰ ساله پیش آمد.»

جعفری در مورد ماندگار شدن خاطره پیرمرد ۶۰ ساله در ذهنش ادامه داد: «زن و شوهری ۲۴۰ کیلوگرم تریاک در خودرویشان که یک هیوندا بود، جاسازی کرده و محموله را به جنوب کشور به شهرستان مهریز بزد منتقل کردند اما هردو بازداشت شدند. در بازجویی از آنها مشخص شد سابقه کیفری ندارند و معلوم شد قیمت محموله‌شان دو و نیم میلیارد تومان است. چند روز بعد از دستگیری آنها، فردی برای پیگیری پرونده به من مراجعه کرد. زمانی که می‌خواست از اتاق خارج شود، جعبه‌ای را روی میز گذاشت و گفت هدیه است. وجدان و شرافت کاری‌ام اجازه نمی‌داد عدالت را لگدمال کنم. هر چه به او گفتم جعبه را بردارد، توجه نکرد و رفت. جعبه را نزد رئیس مان بردم و در حضور حفاظت دادگستری صورت جلسه شد. برای فرد رشوه دهنده هم قرار قانونی صادر شد. مجازات متهمان پرونده هم طبق قانون، ۱۵ تا ۲۵ سال بود اما چون سابقه کیفری نداشتند، هرکدام را به گذراندن ۱۶ سال حبس محکوم کردم.»

این قاضی جوان دادگاه انقلاب شهرستان مهریز در مورد اتفاقات پس از رد رشوه گفت: «بعد از این ماجرا، از سوی مسؤولان قضایی شهرستان تشویق شدم و پنج کارت بانکی که مجموع مبلغ آنها روی هم بیش از ۱۰ میلیون تومان می‌شد به من هدیه دادند. ولی مجاری دیگری در پس این هدیه بود. یک روز که به ستاد دیه رفته بودم، متوجه شدم مرد ۶۰ ساله‌ای که شغلش

آراستگی پوشش کارمندان خود را به ما بسازید

پوشاک فرم

اولین ارائه دهنده تخصصی پوشاک ادارات

آدرس فروشگاه: تقاطع خیابان ولیعصر و طالقانی، مجتمع تجاری نور تهران، طبقه سوم تجاری، شماره ۹۰۶۷

تلفن: ۰۲۱-۸۸۲۲۶۰۳۵ همراه: ۰۹۱۲۷۰۱۵۱۲۲

@form1
manto_uniform

www.form1.ir
formiran@yahoo.com

شماره تلفن پذیرش

۴۹۱۰۵۰۰۰

امور آگهی‌های روزنامه جام جم

<p>برگ سبز و کارت خودرو پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۹۸ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۶۲-۶۵۷ ص ۸۳ شماره موتور M136334351 شماره شاسی NAS411100K3548935 بنام طیبه امری صاحبی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.</p>	<p>برگ سبز و کارت خودرو ریسو SLX1500cc مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید شیری روغنی شماره انتظامی ایران ۲۷-۱۷۱ ب ۹۳ شماره موتور 1092463 شماره شاسی NAS610022B1194058 بنام میرهدایت جورافی به وکالت امیرحسین حبیبی صدر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.</p>
<p>برگ سبز و برگ کمپانی و کارت سوخت خودرو ۲۰۶ بژ متالیک مدل ۸۲ اینچانج جواد تاجری گوجی به شماره موتور i0FSJ54462850 و شماره شاسی 82627976 و شماره پلاک ۴۸۳ ۴۲ ایران ۳۶ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.</p>	<p>برگ سبز و سند کمپانی خودرو پراید صبا جی تی ایکس مدل ۱۳۷۹ به رنگ دودی معمولی شماره انتظامی ایران ۸۴ ۷۹۹ ب ۴۲ شماره موتور 00172071 شماره شاسی S1412279648866 بنام محمود بهمنی شاه عوضی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.</p>
<p>برگ سبز خودرو نیسان آبی مدل زامیاد ون بنز سال ۹۳ اینچانج دادمحمد حیدری به شماره موتور 660411 و شماره شاسی NAZPL140TE0371525 و شماره پلاک ۳۱۷ ۳۱۷ ایران ۹۴ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.</p>	<p>کلیه مدارک (سند، کارت سبز، بیمه نامه) خودرو سواری سایپا ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید - روغنی به شماره پلاک ۴۴۵۸۲۷ ایران ۴۵ به شماره موتور 5190538 شماره شاسی NAS412100E3630985 بنام رضا قاضوی باغبینی با کد ملی ۲۹۹۱۴۳۷۶۵۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.</p>

مدرك فارغ التحصيلی اینچانج زهره گلایی زاده گان فرزند حسن به شماره شناسنامه ۲۲۱۴ صادره از اسفهان به مقطع کارشناسی ارشد - رشته - مدیریت ساخت صادره از واحد دانشگاهی تهران با شماره ۹۷/۲۶۲۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از بابتد نقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تیران به نشانی شهر تیران ارسال نماید.